

هاینریش تئودور فونتانه آقای شاخ

سعید جوی



نشر گل آذین

تأسیس ۱۳۷۷

این کتاب ترجمه‌ای است از متن آلمانی:

Schach von Wuthenow
Heinrich Theodor Fontane
Printed in Germany 2019

آقای شاخ

هاینریش تئودور فونتانه

Heinrich Theodor Fontane

سعید جوزی (۱۳۶۳-)

عنوان اصلی: Schach von Wuthenow

تهران: گل‌آذین، ۱۳۹۹. ۲۲۲ص

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

ISBN 978-622-6352-49-9

موضوع: داستان‌های آلمانی — قرن ۱۹م

موضوع: German fiction—19th century

شناسه افزوده: جوزی، سعید، ۱۳۶۳- مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۹۸۵PT

رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۸۷۷۰۴



آقای شاخ

نویسنده: هاینریش تئودور فونتانه

مترجم: سعید جوزی

طرح جلد: فریده شهبازی

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: انتشارات گل آذین

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: آدوین تبار

ISBN 978-622-6352-49-9

E-mail: gol_azin@yahoo.com

Website: www.golazinpub.com

Telegram.me/golazinpub

تهران، خ انقلاب، خ ابوریحان، پلاک ۶۱ واحد ۳

تلفکس: ۶۶۹۷۰۸۱۶-۷

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات گل آذین است. هرگونه اقتباس بدون مجوز
کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	فصل اول: در افاق پذیرایی بانو فون کارایون
۲۵.....	فصل دوم: تقدیس قدرت
۳۷.....	فصل سوم: سالا تارونه
۴۹.....	فصل چهارم: در پرستشگاه
۷۷.....	فصل پنجم: از ویکتوریا فون کارایون به لیسته فون پرماندت
۸۳.....	فصل ششم: در خدمت پرنس لوتیز
۹۵.....	فصل هفتم: یک مهمان دیگر وارد می شود
۱۰۹.....	فصل هشتم: شاخ و ویکتوریا
۱۲۱.....	فصل نهم: شاخ کنار می کشد
۱۲۷.....	فصل دهم: کاری باید انجام شود
۱۳۵.....	فصل یازدهم: سورتمه سواری
۱۳۹.....	فصل دوازدهم: شاخ به دیدار بانو فون کارایون می رود
۱۴۵.....	فصل سیزدهم: انتخاب شاخ
۱۵۵.....	فصل چهاردهم: در ووته نو کنار دریاچه
۱۷۳.....	فصل پانزدهم: شاخ ها و کارایون ها
۱۸۱.....	فصل شانزدهم: بانو فون کارایون و کوکریتز پیر
۱۹۳.....	فصل هفدهم: شاخ در شارلوتبرگ
۲۰۱.....	فصل هجدهم: سرداب
۲۰۷.....	فصل نوزدهم: عروسی
۲۱۵.....	فصل بیستم: از بولوو به سندر
۲۱۹.....	فصل بیست و یکم: از ویکتوریا فون شاخ به لیسته فون پرماندت

پیشگفتار

هاینریش تئودور فونتانه^۱ متولد ۳۰ دسامبر سال ۱۸۱۹ شهر نویروپین و فوت ۲۰ سپتامبر سال ۱۸۹۸ در برلین) نویسنده و داروخانه‌دار آلمانی از بزرگان مکتب واقع‌گرایی (رئالیسم) و خالق شاهکارهای شناخته‌شده‌ای چون رمان «افی بریست» و رمان «شتشلین» می‌باشد. او در ۶۰ سالگی با نگارش رمان تاریخی خود با نام «پیش از توفان» در سطح بین‌المللی شناخته شد.

فونتانه به‌عنوان یکی از ارکان ادبیات آلمان شناخته می‌شود که در کنار گوته و شیلر جایگاهی رفیع در شکل‌دهی به فرهنگ عامه آلمان دارد. وی با به تصویر کشیدن وقایع و روابط تاریخی، نقشی مهم در ثبت شرایط اجتماعی و سیاسی آلمان در قرن نوزده ایفا کرده است. از آن گذشته با شیوه نگارشی ممتاز خود، تأثیری غیرقابل انکار بر روی نویسندگان آلمانی و غیرآلمانی گذاشته است.

نام پدر فونتانه، لویی هنری فونتانه و نام مادرش امیلی لابی بود. پدر بزرگش پیر بارتلمی فونتانه، خود نقاش و موسیقی‌شناس بود. تئودور تا هفت سالگی در شهر نویروپین بود. پدرش که در قمار بدهی فراوانی بالا آورده بود، ناگزیر به شهر سوینمونده نقل مکان کرد و در آنجا داروخانه کوچکی دایر نمود و خانواده به‌اتفاق به آن شهر نقل مکان کردند. تئودور فونتانه تحصیلات

خود در هنرستان را در نوپروپین و بعدها در شهر برلین ادامه داد؛ او در سال ۱۸۳۵ با امیلی روانت کومر-همسر آینده‌اش- ملاقات کرد.

وی در سال ۱۸۳۶ هنرستان را رها کرد و به فراگیری دانش داروسازی مشغول گشت. نخستین داستان کوتاهش به نام «علاقه خواهر برادری» را در سال ۱۸۳۹ نگاشت و در سال ۱۸۳۹ شغلی در همان رشته داروشناسی برای خویش پیدا کرد. سرودن نخستین اشعار وی نیز در همین سال‌ها اتفاق افتادند. وی در سال ۱۸۴۱ به بیماری تیفوس مبتلا شد، ولی با مراقب شدید پدر و مادر بهبود یافت. سپس علاوه بر کار در داروخانه به عضویت در کانون‌های ادبی هم درآمد. در سال ۱۸۴۵ با امیلی روانت کومر ازدواج کرد و اندکی بعد به استخدام یکی از بیمارستان‌ها درآمد. سال‌ها بعد در ۳۰ سپتامبر سال ۱۸۴۹ تصمیم گرفت پیشه پزشکی را رها کرده و خود را کاملاً وقف نویسندگی کرد. نخست به نوشتن آثار نسبتاً سیاسی در روزنامه‌ها پرداخت، در همین سال‌ها هم نخستین کتاب وی با نام «مردان و قهرمانان» منتشر شد. سپس در سال‌های بعد که کتاب‌های سفرنامه‌ای رونق بسیار یافته بودند، «تفرج در براندنبورگ» را نگاشت که حتی تا پایان عمر هم روی آن کار می‌کرد.

فوتانه از سال ۱۸۷۰ به کار نقد نمایش مشغول شد. ضمناً به اتفاق همسرش به کشورهایی چون اتریش، ایتالیا، و سوئیس مسافرت کرد. در پایان این سفرها مصمم شد که دیگر برای روزنامه‌ها مطلب ننویسد، به‌عوض آن تماماً به امر نویسندگی پردازد. از آن زمان به بعد متون بسیاری نوشت، تا آن‌که در سال ۱۸۹۲ کارکرد مغزش دچار آسیب گشت. پزشک توصیه کرد که وی به نوشتن و بازآفرینی خاطرات دوران کودکی خویش پردازد تا بتواند از این بیماری خلاص شود. فوتانه از این توصیه پیروی کرد و سرانجام آن‌قدر حالش خوب شد که توانست رمان بزرگ و سنگینی چون «افی بریست» و نیز دو رمان دیگر از جمله خود زندگی‌نامه «از بیست تا سی» را بنویسد و به اتمام برساند. این

نویسنده سرانجام در بیستم ماه سپتامبر سال ۱۸۹۸ در شهر برلین درگذشت. همسر وی امیلی هم چهار سال بعد فوت کرد و در کنار وی دفن شد.

از بارزترین نقش‌هایی که آثار فراوان آقای فونتان به دیگر نویسندگان داشته می‌توان به علاقه شدید نویسنده بزرگ آلمانی توماس مان به رمان‌های وی به‌ویژه به رمان «افی بریست» اشاره کرد که شیفتگی‌اش به این اثر چنان بوده است که نام بزرگ‌ترین رمان خود یعنی «خانواده بودنبروک‌ها» را از نام یکی از شخصیت‌های رمان «افی بریست» به نام «بودنبروک» وام گرفته است؛ و نیز آقای «فریدریش کریستیان دلیوس» نویسنده معاصر آلمان اثر خویش «درخت سال نوی شهر رییگ» را به احترام قصیده مشهور فونتان به نام «مردی از منطقه رییگ هافلاند» به رشته تحریر درآورده است؛ و هم‌گونتر گراس هم نام رمان بزرگ و حجیم خویش به نام «این قصه سر دراز دارد!» را از جمله مشهوری در رمان «افی بریست» که در آن پدر افی رو به همسرش که در مورد سرنوشت اندوه‌بار افی گلایه می‌کند، می‌گوید: «آوه لویزه، تمامش کن... این قصه واقعاً سر درازی دارد! گرفته است.» این رمان به شرح قصه گونه وقایع تاریخی کشور آلمان از سال ۱۸۴۸ به بعد تا تاریخ فروپاشی دیوار برلین می‌پردازد. از سویی دیگر زندگی تنودور فونتان به سرگذشت قهرمان این رمان یعنی «تسو ووتکه» که او را در داستان فونتی هم صدا می‌زنند، بسیار شبیه است.

شاخ فون ووته‌نو، رمانی روایی-تاریخی است که فونتان به بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۲ مشغول نگارش آن بوده است. این اثر نهایتاً تا یک سال پس از اتمام آن منتشر شد. شاخ یک نجیب‌زاده و کاپیتان هنگ سواره‌نظام و دارای خانواده‌ای اشرافی است. ووته‌نو نیز ملوک‌اربابی خاندان اوست که در مجاورت دریاچه روپین و در ضلع شمالی برلین قرار گرفته است.